

سید احمد حسینی<sup>۱</sup>

روسیه از معدود کشورهایی است که جمهوری اسلامی ایران در سه سطح: دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با آن تعامل دارد. در همه رفت‌وآمدها و دیدارهای مسئولین دو کشور بر این وجه از ویژگی مناسبات اشاره شده و بر لزوم رایزنی و هماهنگی مواضع فیما بین در زمینه‌های مورد اشاره تأکید می‌گردد.

نگاهی به سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد که این کشور پس از پشت سرگازدن فراز و نشیب‌های ناشی از فروپاشی شوروی و بویژه باثبات سیاسی و اقتصادی که در دوران پوتین در داخل پیدا کرده است تصمیم بر آن دارد که منافع سنتی خود را در مناطق مختلف جهان پیگیری نماید.

بدون تردید منطقه خاورمیانه یکی از اولویت‌های مهم این کشور است که به دلایل گوناگون مورد توجه رهبران کرملین می‌باشد. این در حالی است که از سوی کشورهای خاورمیانه نیز چنین گرایشی برای همکاری با روسیه وجود دارد و این کشورها که پیامدهای ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به دو کشور این منطقه یعنی افغانستان و عراق را شاهد بوده‌اند نمی‌خواهند که همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد همکاری با آمریکا و غرب قرار دهند و طبعاً در جهت دخالت‌دادن بازیگران دیگر و متوازن کردن مناسبات خارجی خود گام برمی‌دارند.

لذاست که در چنین شرایطی، شاهد افزایش تحرک روسیه در این منطقه هستیم که دیدارهای مقامات روسیه و کشورهای عربی از پایتخت‌های یکدیگر در

۱. آقای سید احمد حسینی کارشناس اداره اول کشورهای مشترک‌المنافع است.

سالهای اخیر و عضویت ناظر این کشور در سازمان کنفرانس اسلامی از نشانه‌های فضای جدید در مناسبات فیما بین می‌باشد.

در راستای دیپلماسی فعالانه و عملگرایانه دوران پوتین، روسها اهمیت زیادی به تشکیل گروه‌های کاری و برگزاری مذاکرات دوره‌ای منظم با کشورهای مختلف قائل بوده و نسبت به ایجاد این‌گونه ارتباطات با کشورهای مختلف جهان اقدام نموده‌اند. گفتگو و رایزنی مستمر در زمینه‌هایی مانند: مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدائی‌طلبی با کشورهای نظیر: آمریکا، چین و هند، گروه‌های کاری انرژی با کشورهای اروپائی و آمریکا، موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی با کشورهای مشترک‌المنافع در قالب ساختارهای CIS نمونه‌هایی از این رویکرد دیپلماسی روسیه می‌باشد.

هرچند نتیجه‌بخش بودن این شیوه در ابتدا محل تردید بوده و حتی در برخی موارد حالت تکراری به نظر می‌آید اما تجربه این نکته را آموخته است که با صبر و حوصله می‌توان به نتایج موردانتظار دست یافت. نگاهی به روند تکامل سازمان شانگهای، فضای واحد اقتصادی در منطقه CIS و سازمان امنیت دسته‌جمعی در منطقه مشترک‌المنافع از جمله ساختارهایی هستند که در نتیجه پیگیری چنین شیوه‌هایی بوجود آمده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، نمونه‌هایی از این همکاریها را در گذشته داشته‌اند که بارزترین آنها را در جریان بحران‌های تاجیکستان و افغانستان شاهد بوده‌ایم. خوشبختانه نتایج این تعاملات به‌گونه‌ای بود که هر دو کشور بطور نسبی به خواسته‌های موردانتظار خود دست یافته و راه‌حل‌های بینابینی برای هر دو بحران پیدا شدند. به همین خاطر، همواره از این تعامل ثمربخش بعنوان الگویی که می‌تواند در سایر حوزه‌های منافع ملی دو کشور نظیر: ثبات و امنیت در دریای خزر، امنیت در قفقاز تکرار گردد یاد می‌شود.

در راستای همین نگرش، تعامل و همفکری ایران و روسیه در خصوص مسائل خاورمیانه از موضوعاتی است که هر دو کشور در سالهای اخیر علاقمندی زیادی برای برقراری ارتباط در خصوص آن از خود نشان داده‌اند.

اهمیت این رویکرد از آن جهت است که هر دو کشور از توان و پتانسیل‌هایی برخوردار هستند که می‌توانند بعنوان مکمل یکدیگر در این منطقه عمل نمایند.

خاورمیانه حوزه‌ای است که از دیرباز و بطور سنتی موردعلاقه فدراسیون روسیه بوده و این کشور، علقه‌ها و مناسبات همه‌جانبه‌ای با کشورهای مهم آن داشته است. این پیوندها، هرچند با فروپاشی شوروی و حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام تضعیف شده است اما روس‌ها به هیچ وجه سابقه خود در این منطقه را از یاد نبرده و درصدد استفاده از فرصت‌ها برای بازگشت به دوران حضور فعال خود در این منطقه هستند.

روسها اشاره می‌نمایند که در خاورمیانه از ویژگی منحصر بفردی که عبارت از: داشتن ارتباط نزدیک با همه طرف‌های درگیر اعم از: کشورهای عربی و غیرعربی اسرائیل است برخوردارند. در سالهای اخیر در نتیجه اشتباهات آمریکا و براه انداختن جنگ رسانه‌ای و خبری بر علیه مسلمانان، شرایط خوبی برای بهره‌برداری روسیه از فضای ضدآمریکائی فراهم شده است.

عضویت در گروه چهارگانه بین‌المللی برای حل و فصل بحران خاورمیانه (در کنار آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) امتیاز دیگری است که فدراسیون روسیه از آن برخوردار است. در نتیجه این کشور می‌تواند در روند کلی مسائل این منطقه اثرگذاری متناسب با جایگاه خود را داشته باشد.

از بعد داخلی، فعال شدن روسیه در خاورمیانه برای این کشور پیامدهای مثبتی در بردارد. فراموش نکنیم بیش از بیست میلیون نفر از مردم فدراسیون روسیه مسلمان هستند که در مناطق و جمهوری‌های حساس آن کشور در قفقاز و مناطق کناره ولگاز زندگی می‌کنند. این بخش از جمعیت روسیه در سالهای گذشته انتقادات زیادی به وضعیت سیاسی و مشارکت خود در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری کشور داشته‌اند که شکل خصومت‌آمیز آنرا در بحران چچن شاهد بودیم. در سالهای اخیر، کرملین توانسته است با فعال ساختن دیپلماسی خود با کشورهای منطقه خاورمیانه و بخصوص عضویت ناظر روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی نتایج خود را بار

آورده و مسلمانان اکنون از جایگاه بسیار شایسته‌ای نسبت به گذشته در چارچوب فدراسیون روسیه برخوردار شده‌اند.

روابط نزدیک روسیه با کشورهای منطقه خاورمیانه و فراهم‌ساختن امکان تعامل قانونی و تعریف‌شده بین دولت و نهادهای غیردولتی با مراکز مختلف کشورهای خاورمیانه، یک پیامد مثبت نیز برای آن کشور دارد و آن فاصله‌انداختن بین نیروهای تندرو جدائی طلب در جمهوری چین و مراکز تأمین مالی آنان است که به ادعای روس‌ها برخی از این مراکز در منطقه خاورمیانه قرار دارند.

از دیدگاه اقتصادی، توجه روسیه به منطقه خاورمیانه دلائل و توجیهات قابل قبولی برای این کشور دارد. کشورهای این منطقه چه به لحاظ روابط سنتی و ساختارهای بر جای مانده از همکاری‌های پیشین و چه به لحاظ نیازهای آتی در زمینه‌هایی مانند تسلیحات و تأمین مواد اولیه می‌توانند بازار خوبی برای محصولات روسی باشند. علاوه بر این سرمایه کشورهای ثروتمند این منطقه نیز می‌تواند در بازار اقتصادی روسیه وارد شوند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز از توان و جایگاهی در این منطقه برخوردار است که بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به هیچ وجه نمی‌توانند آنرا نادیده بگیرند. مجموعه تحولات پس از ۱۱ سپتامبر از جمله: سرنگونی طالبان و از بین رفتن تهدیدات ناشی از حاکمیت این گروه در افغانستان، سرنگونی رژیم بعثی عراق و ارتقاء جایگاه شیعیان در آن کشور، روی کار آمدن دولت حماس در فلسطین، تحولات مربوط به لبنان و سوریه، جایگاه برجسته ایران در جهان اسلام و از همه مهمتر دستیابی به فناوری هسته‌ای جایگاه این کشور در منطقه را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

پیدایش این وضعیت واقعی است که برخی از شخصیت‌های روسی به آن توجه نشان داده‌اند. یوگنی پریماکف نخست‌وزیر سابق روسیه که از شخصیت‌های متنفذ سیاسی و آکادمیک روسیه و بعنوان سمبل و پیشتاز نیروهای شرق‌گرای آن کشور معروف است در جریان سخنرانی هفته گذشته خود در مؤسسه خیریه ملک فیصل عربستان، ایجاد کمربند شیعی در منطقه

خاورمیانه را مورد اشاره قرار داده و افزود این کمر بند از لبنان، سوریه و عراق گذشته و تا ایران و افغانستان ادامه خواهد یافت. پریماکف ایجاد این کمر بند را موجب تقسیم جهان به تمدن‌های مختلف ارزیابی کرد و گفت این موضوع نگران‌کننده خواهد بود.

علیرغم ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالای دو کشور، متأسفانه عملاً ارتباط منظمی بین مراکز ذیربط دو کشور از جمله وزارتین امور خارجه دو کشور وجود نداشت و در طول سال‌های اخیر و در گرماگرم تحولات منطقه و رفت و آمدهای مکرر مقامات کشورهای عربی، ترکیه و مقامات اسرائیل به مسکو و بالعکس، کمتر دیده می‌شد که مسئولین بخش خاورمیانه دو کشور مذاکرات جدی با همدیگر داشته باشند.

زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه فراوان است. هر دو کشور با اقدامات یکجانبه قدرت‌های فرامنطقه‌ای در برخورد با این منطقه مخالف هستند و اعمال استانداردهای دوگانه از سوی غرب را نه تنها رافع مشکلات آن نمی‌دانند بلکه معتقدند این رفتارها می‌تواند ریشه‌های اختلافات بین کشورها را تعمیق بخشد.

ایران و روسیه معتقدند که روند مردم سالاری و دموکراسی باید خودجوش بوده و براساس ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی کشورهای خاورمیانه شکل گیرد و تحمیل دموکراسی از غرب بر این منطقه محکوم به شکست است.

هر دو کشور بر این اعتقادند که نتایج اقدامات یکجانبه آمریکا در مقوله عراق نه تنها موفقیتی برای صلح و ثبات مردم آن کشور و منطقه خاورمیانه ببار نیاورده بلکه این کشور را به کانون امنی برای نیروهای افراطی و خشونت‌طلب درآورده است که در صورتی که چاره‌جویی مناسبی برای آن نشود می‌تواند بعنوان کانون تهدید دائمی برای صلح و ثبات منطقه درآید.

در زمینه‌های اقتصادی نیز چشم‌انداز روشنی برای همکاری ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه وجود دارد. چنانچه این دو کشور در جهت همکاری مشترک در این منطقه گام بردارند می‌توانند در عرصه‌هایی مانند بازسازی اقتصادی عراق، انرژی، ترانزیت از جمله کریدور شمال جنوب به موفقیت‌های زیادی دست یابند.

طبیعی است همکاری ایران و روسیه در منطقه حساسی مانند خاورمیانه با مخالف‌هایی از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای که برای استیلای درازمدت خود بر این منطقه حساب کرده‌اند مواجه خواهد بود. متأسفانه این کشورها در برخورد با واقعیت‌های منطقه و در عرصه رقابت به روش‌های ناجوانمردانه متوسل می‌شوند و با استفاده از ابزار سرمایه و رسانه‌های خود آنرا در اذهان مردم منطقه و جهان بصورت غیرواقعی جلوه می‌دهند.

اشاره به تهدیدات ناشی از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای برای کشورهای منطقه و همسایگان در شرایطی که ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های ایران بر همگان آشکار است و نیز توسل به حربه‌هایی مانند مخاطرات زیست‌محیطی نیروگاه بوشهر از شیوه‌هایی است که این کشورها در جهت افزایش نگرانی‌های کشورهای وکاستن بذر بی‌اعتمادی در بین ملل منطقه به آن متوسل می‌شوند که البته باید برای آن راهکاری اندیشید.

و سخن پایانی اینکه نباید به رایزنی‌های ایران و روسیه صرفاً در قالب رفت و آمدهای کلیشه‌ای و دیدارهای هرازچندگاه مسئولین دو کشور نگریست بلکه باید با برنامه‌ریزی مناسب آینده‌ای را تصور کرد که از درون این مذاکرات ساختاری بیرون آید که بتواند بعنوان عنصر متعادل‌کننده‌ای در طرح خاورمیانه بزرگ عمل نموده و مانعی بر اقدامات یکجانبه‌کشورها ایجاد نماید. طبیعی است در چنین شرایطی کشورهای دیگر منطقه از ساختاری که ایران و روسیه در آن حضور دارند استقبال خواهند نمود چرا که می‌دانند در شرایطی که یکجانبه‌گرایی آمریکا بسرعت در منطقه در حال ادامه است تنها حضور کشورهای تأثیرگذار و متعادل‌کننده دیگر می‌تواند صلح و امنیت پایدار این منطقه را تضمین نماید.